■ دکتر هاشمی گلپایگانی: تحول‌خواهی نیاز به مبنای فکری دارد اگر نه به تهوع ختم می‌شود. نمونه این مسأله کسانی هستند که اوایل انقلاب مدام از استکبارستیزی دم می‌زدند و امروز به صورت تهوع‌آوری به استکبار التماس می‌کنند. اگر کسی به دنبال تحول‌خواهی و داشتن پشتوانه معرفتی در این مسیر است، بهترین راه مطالعه آثار شهید مطهری به صورت نظام‌مند است

نگاهی به برخی بایسته‌های ضروری فکری و معرفتی حرکت‌های تحول‌خواهانه

انقلاب علیه فسیل‌ها

رهبر معظم انقلاب هشدار دادند که تحول‌خواهی بدون پشتوانه مستحکم معرفتی به استحاله و ارتجاع ختم خواهد شد

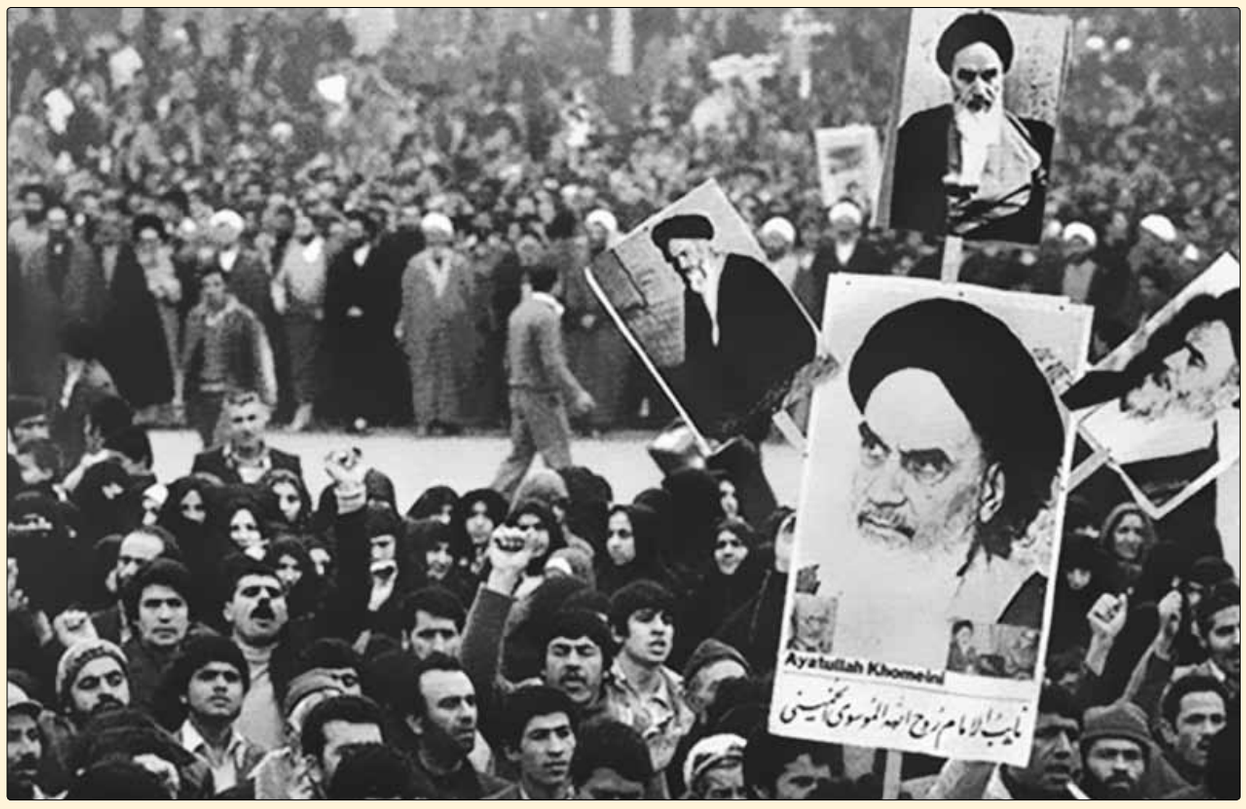

سخنرانی امسال رهبر حکیم انقلاب در سالگرد ارتحال امام خمینی به موضوع لزوم تحول‌خواهی در نظام اسلامی اختصاص یافت. ایشان در این سخنرانی به ابعاد گوناگون جریان تحول‌خواهی و لوازم ضروری یک حرکت تحول‌خواهانه اشاره کردند. در بین عناصری که مقام معظم رهبری به شرح آن پرداختند، تاکید بر «پشتوانه معرفتی» سهم ویژه‌ای داشت. ایشان هشدار دادند تاریخ انقلاب ثابت کرده هر جریان تحول‌خواهی که پایه مستحکم معرفتی نداشته باشد، در نهایت به عقبگرد و استحاله ماهوی ختم می‌شود. ایشان در بخشی از بیانات‌شان فرمودند: امام هم هر کاری که در زمینه تحولات انجام دادند، متکی بر همین حرکت اسلامی و مبانی معرفتی اسلام بود؛ امام در چارچوب آن حرکت کردند. اگر چنانچه یک چنین پشتوانه فکری‌ای وجود نداشته باشد، این تحول انسان، غلط خواهد بود و احتمالا انسان قدم را نابجا برمی‌دارد، بعد هم درست پافشاری نمی‌کند؛ یعنی ثبات قدم در این حالت تحولی نخواهد داشت. انسان به یاد بعضی‌ها می‌افتد، ما در انقلاب خودمان داشتیم کسانی را که اینها افراد انقلابی و علاقه‌مند بودند، منتها چون پایه‌های فکری‌شان پایه‌های محکمی نبود، پایه‌های ایمانی‌شان، پایه‌های متین و مستحکم و دارای پشتوانه‌های عقلانی محکم و استدلالی محکمی نبود، بعد از اینکه مدتی گذشت و از سنین جوانی مثلا یک مقداری عبور کردند، تبدیل شدند به همان فسیل‌هایی که اصلا انقلاب علیه آن فسیل‌ها بود؛ یعنی انقلاب اسلامی در واقع یک عده فسیل‌های کج‌رو را کنار زد. بعضی جوان‌های انقلابی دیروز هم بعد از آنکه وارد مرحله‌های گوناگون زندگی و عبور از سال‌های جوانی شدند، در واقع نزدیک شدند حالا یا بعضی‌ها نزدیک شدند، یا بعضی‌ها تبدیل شدند- به چیزی شبیه آن فسیل‌ها. بر همین اساس در این پرونده به بررسی برخی ابعاد معرفتی به عنوان پشتوانه یک حرکت تحول‌خواهانه پرداخته‌ایم؛ حرکتی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب در نهایت به انقلاب علیه فسیل‌ها بینجامد، نه اینکه خود تبدیل به یک فسیل دیگر شود.

ناگفته‌ها و ناشنیده‌های شهید مطهری برای دوران تحول‌خواهی

دکتر سید محمدصالح هاشمی گلپایگانی
مبدع و مسؤول طرح ملی بینش مطهر

تحول‌خواهی نیاز به مبنای فکری دارد اگر نه به تهوع ختم می‌شود. نمونه این مسأله کسانی هستند که در اوایل انقلاب مدام از استکبارستیزی دم می‌زدند و امروز به صورت تهوع‌آوری به استکبار التماس می‌کنند. اگر کسی به دنبال تحول‌خواهی و داشتن پشتوانه معرفتی در این مسیر است، بهترین راه مطالعه آثار شهید مطهری به صورت نظام‌مند است. متأسفانه آنچه تاکنون از شهید مطهری منتشر شده به سبک انتشارات صدرا، یک مجموعه کشکولی و پراکنده است، در حالی که شهید مطهری صاحب یک فکر نظام‌مند و منسجم است. ما در طرح بینش مطهر سعی کردیم با طراحی ۴۰ کتاب در ۴ سطح، نظام فکری شهید مطهری را به مخاطب ارائه کنیم. به این شکل خواننده آثار صاحب بینشی می‌شود که می‌تواند با مبنای آثار شهید مطهری برای بسیاری از مسائل روز تحلیل و پاسخ مناسب بیابد. در اینجا لازم است اشاره کنم که فاجعه و مصیبت بزرگی که برای آثار شهید مطهری رخ داده این است که هنوز بعد از گذشت ۴۰ سال بسیاری از آثار ایشان در حصر خانگی خانواده شهید مطهری است. هنوز بعد از گذشت این همه سال انتشارات صدرا هر از گاهی کتاب جدیدی از شهید مطهری منتشر می‌کند که این یک فاجعه است، در حالی که آثار دکتر شریعتی همان ۲ سال اول به صورت کامل منتشر شد.

جالب است بدانید که ما بعد از تلاش‌های طاقت‌فرسا توانستیم کتابی را بتازگی از ایشان منتشر کنیم به نام تاریخ عقاید اقتصادی. شهید مطهری ۲ روز قبل از شهادتش با درکی که از مشکل اقتصاد در ایام بعد از انقلاب داشت، اساتید مختلف حوزه اقتصاد را دور هم جمع می‌کند تا بتواند به تبیینی از اقتصاد اسلامی برسد. ما نوارهای این جلسات را جمع کردیم و با همه سختی‌ای که داشت آنها را پیاده کردیم؛ این فاجعه است که مطالب و آثار مهم شهید مطهری در حوزه اقتصاد بعد از ۴۰ سال در دسترس مردم قرار بگیرد.

باید توجه داشت که نه‌تنها دوره اندیشه شهید مطهری به پایان نرسیده، بلکه شهید مطهری حرف‌هایی دارد بسیار فراتر از زمان خودش که هنوز که هنوز است مغفول مانده است. همین است که باعث شده تا اندیشه مطهری برای دوران تحول‌خواهی انقلاب هم حرف‌های بسیاری داشته باشد. قبل از اینکه نمونه‌های این موضوع را ارائه کنم باید مقدمه‌ای را مطرح کنم.

اساس اندیشه و دغدغه شهید مطهری این بوده است که اسلام ۱۴۰۰ سال پیش چگونه می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشریت در عصر حاضر باشد؟ ایشان با همین دغدغه در کتاب اسلام و مقتضیات زمان به ارائه مباحث خود می‌پردازد. ایشان این نظر را مطرح می‌کند که ما در مجموعه معارف اسلامی یک‌سری ثابتات داریم، یک سری متغیرات. مثلا در آیه «اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» که مسلمانان را دعوت به افزایش قدرت در برابر دشمن می‌کند، تأکید می‌کند که اسب‌های

زین کرده را برای ترساندن دشمن فراهم کنند. در این آیه اصل افزایش قدرت نظامی و اصل مجهز شدن به ابزار نظامی برای ترساندن دشمن یک اصل ثابت است اما فراهم کردن اسب زین کرده یک اصل متغیر است که با گذشت زمان تغییر می‌کند. بر اساس همین مثال، هر فرد و جریانی که وارد گردونه تحول‌خواهی می‌شود باید با شناخت ثابتات و براساس ثابتات دست به تغییر متغیرات بزند.

توجه داشته باشید که دست به تغییر زدن، هم تغییر ثابتات و هم متغیرات، نامش ولنگاری است، از آن طرف حفظ و ثابت نگه داشتن ثابتات و متغیرات توامان با هم، نامش تحجر است اما حفظ ثابتات و تغییر متغیرات نامش تحول است و انقلابی‌گری. تحول چیزی در میانه ولنگاری و تحجر است. متأسفانه بسیاری از مدیران ما به دنبال حفظ وضع موجود هستند و از تغییر می‌ترسند، در حالی که یک مدیر انقلابی کسی است که مدام در پی برهم زدن وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب است، آن هم براساس ثابتات.

با این مقدمه به چند نمونه از مواردی در اندیشه شهید مطهری می‌پردازم که هنوز که هنوز است مغفول مانده است. اولین مورد که شاید هنوز هم کسی جرأت بیانش را نداشته باشد اصلاح در داخل حوزه‌های علمیه است. شهید مطهری نقل می‌کند این ایده آیت‌الله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیه قم بوده است که مرجعیت تخصصی بشود. در دوران امروز ما مگر امکانش وجود دارد که شخصی هم در اقتصاد و بانکداری مجتهد باشد بلکه اعلم باشد، هم در عرصه فرهنگ و هنر، هم در عرصه پزشکی؟ چه اشکال دارد که یک پزشک مؤمن و باهوش با ورود به حوزه علمیه تبدیل به یک مرجع تقلید فقط در حوزه احکام فقهی پزشکی بشود؟ یا اینکه یک خانمی در حوزه مسائل زنان مجتهد و مرجع تقلید بشود؟ شما تصور کنید ولی‌فقیه چندین بازوی تخصصی داشت که هر کدام یک مرجع تقلید در حوزه تخصصی فقهی بودند، چقدر کشور جلو می‌افتاد؟

محتوای دروس حوزه علمیه نیاز به تحول جدی دارد؛ به قول آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی اگر تولیدات حوزه نجف از حوزه قم گرفته بشود چه برای این حوزه می‌ماند؟ اگر انقلاب هم نبود چه تغییری در دروس حوزه ایجاد می‌شد؟ به همین خاطر است که بسیاری از طلبه‌ها احساس نمی‌کنند که در حال فراگیری اموری هستند که بتواند نیازهای جامعه را برآورده کند.

مسأله دیگری که شهید مطهری مطرح می‌کند، اصلاح ساختار اقتصادی حوزه‌های علمیه است. شهید مطهری پیشنهاد می‌دهد که همه وجوهات در یک صندوق واحد واریز بشود و سپس براساس یک ساختار و نظام مشخص این وجوهات تقسیم شود.

نمونه‌های پیشنهادهای شهید مطهری که مصداق تحول‌خواهی است و مغفول هم مانده یکی دو تا نیست، از مسأله خانواده و تعدد زوجات و ازدواج موقت گرفته تا حتی مسأله حقوق‌های نجومی که ایشان به آن پرداخته است. شهید مطهری در جایی بیان می‌کند که یکی همین که شغل رفتگری جایگاه اجتماعی بالایی برای شخص ندارد و از طرف دیگر یک مدیر جایگاه اجتماعی بالاتری دارد، به عنوان تفاوت در جایگاه کافی است و دیگر نباید تفاوت آنچنانی حقوقی و درآمد را هم به این اختلاف در شأن اجتماعی اضافه کرد.

در پایان این نکته را دوباره یادآوری می‌کنم که مطالعه آثار شهید مطهری نه به صورت کشکولی، بلکه به صورت یک فرآیند نظام‌مند، بهترین پشتوانه معرفتی است برای کسانی که در جریان تحول‌خواهی به دنبال تغییر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به منظور اعتلا و پیشرفت کشور هستند.

عقلانیت اسلامی، قطب‌نمای تحول‌خواهی

دکتر عبدالحسین خسروپناه
عضو هیأت‌مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی

امام خمینی هم تحول‌خواه بود و هم تحول‌ساز؛ آن هم تحولی مبتنی بر عقلانیت اسلامی. ممکن است خیلی‌ها اهل حرف زدن از تحول باشند اما اهل هزینه دادن برای تحقق آن نیستند. خیلی از روشنفکرها در کافه‌ها می‌نشینند و پیپ می‌کشند و قهوه اسپرسو می‌خورند و علیه خیلی چیزها حرف هم می‌زنند و مطالبه تحول و تغییر می‌کنند اما اگر لازم بشود برای همین حرف‌ها هزینه‌ای بدهند، اهل این چیزها نیستند ولی امام خمینی(ره) اینگونه نبود؛ هم تحول‌خواه بود و هم برای تحولی که می‌خواست حاضر بود هزینه بدهد، این از مهم‌ترین شاخصه‌های مکتب امام خمینی است.

مقام معظم رهبری هر سال در سالگرد ارتحال امام یکی از مؤلفه‌های مکتب امام یا به تعبیری منظومه فکری امام را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ منظومه فکری اصطلاحی است که مقام معظم رهبری در سال ۹۵ مشخصا درباره اندیشه‌های امام خمینی به کار بردند. همین رفتار رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد مکتب امام یک مکتب زنده و پویاست و این‌چنین نیست که این مکتب مرده باشد و پاسخگوی نیازهای اکنون ما نباشد.

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی سالروز ارتحال حضرت امام که امسال ایراد کردند، بر مسأله تحول‌خواهی تأکید کردند. چرتکه هر اندیشه و مکتبی اگر عنصر تحول را در نظر نگیرد، دچار رکود و سکون می‌شود. تحول‌خواهی لازمه مکتبی است که می‌خواهد زنده و پویا باشد. بی‌توجهی به تحول‌خواهی موجب عقبگرد می‌شود، از همین رو است که جریانی که تحول را نادیده بگیرد، بی‌شک به دام انحطاط می‌افتد. در روایات هم به این امر اشاره شده است؛ چنان که امام باقر به این مضمون می‌فرمایند که اگر عالم به زمان خود شناخت نداشته باشد، مورد هجمه شبهات و مشکلات قرار می‌گیرد. همین جلوگیری از عقبگرد، انحطاط یا به عبارت دیگری ارتجاع است که باعث می‌شود مقام معظم رهبری بر ضرورت تحول تاکید کنند.

نکته‌ای که باید در ادامه به آن اشاره کرد، این است که تحول‌خواهی اگر بخواهد ماندگار باشد، باید پشتوانه معرفتی داشته باشد، اگر نه تحول‌خواهی مبتنی بر هیجانات شاید به گرفتن رأی بینجامد اما پایدار نیست و به تغییر ماندگاری نمی‌انجامد. تحول‌خواهی‌هایی که در طول تاریخ جریان‌ساز و اثرگذار بودند، هر کدام دارای یک نظام فکری و نوع خاصی از عقلانیت بوده‌اند. شما ببینید مثلا هیتلر یک فردی بود که تحولی در بخشی از تاریخ آلمان ایجاد کرد، تحولاتی هم که به دست او رقم خورد، مبتنی بر یک عقلانیت بود اما عقلانیت نازیستی و فاشیستی. خود او می‌گوید رفتارش ریشه در تفکرات نیچه و انتخاب اجتماعی داروینیستی داشته است. برای نمونه دیگر آتاتورک را می‌توان مثال زد. قبل از آتاتورک در دوران امپراتوری عثمانی، مردم عقیده داشتند احکام و قوانین اسلام باید در جامعه حکمفرما باشد اما بعد از روی کار آمدن آتاتورک چنان وضع اجتماعی ترکیه تغییر کرد که هم‌اکنون بیش از ۵۰ درصد مردم ترکیه معتقدند احکام و قوانین اسلامی نباید در جامعه اجرا شود. این یعنی رویکرد آتاتورک در جامعه هم سرازیر شد. پس می‌بینیم هر تحول قابل ذکری دارای یک نظام معرفتی بوده است. حتی همین کسانی که برجام را امضا کردند، افرادی هستند که به ادعای خود دنبال تحول هستند اما چه تحولی؟ و بر چه مبنایی؟ مبنای تحول‌خواهی طراحان برجام یک نظام معرفتی نئولیبرالیستی بود. لیبرال‌مسلک بودن این آقایان، آنها را به توافق برجام کشاند، آن هم چه لیبرالیسمی؟ یک لیبرالیسم مقلدانه که مدام منتظرند ببینند ارباب چه نسخه‌ای می‌پیچد و آنها هم کورکورانه به این نسخه عمل کنند. یک بار من با یکی از همین افرادی که منتسب به جریان حامی سازش با آمریکاست، مناظره‌ای داشتم. در این مناظره اشاره‌ای کردم به اقدامات جنایتکارانه آمریکا در یک قرن اخیر، از بمباران هسته‌ای ژاپن تا هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران و جنگ ویتنام. ایشان در برابر بنده یک یک این اقدامات را توجیه می‌کرد به طوری که مایه تعجب من می‌شد. اظهار می‌کرد اگر آمریکا به ژاپن حمله نمی‌کرد، جنگ جهانی ادامه پیدا می‌کرد و چندین برابر کشته داده می‌شد، حمله به هواپیمای مسافربری هم که یک اشتباه بود، جنگ ویتنام هم که لازم بود. من با تعجب پرسیدم پس اگر آمریکا به ایران هم حمله کند و تو و خانواده‌ات را مثله کند، باز هم برای این کارش توجیه می‌آوری؟ اینجاست که می‌گویم نگاه لیبرالیستی این طیف یک نگاه کورکورانه و مقلدانه است که چشم به دهان ارباب دارد که او چه می‌گوید تا اینها اجرا کنند.

مبنای تحول‌خواهی طراحان برجام یک نظام معرفتی نئولیبرالیستی بود. لیبرال‌مسلک بودن این آقایان، آنها را به توافق برجام کشاند، آن هم چه لیبرالیسمی؟ یک لیبرالیسم مقلدانه که مدام منتظرند ببینند ارباب چه نسخه‌ای می‌پیچد و آنها هم کورکورانه به آن نسخه عمل کنند

در برابر همه این‌گونه نظام‌های معرفتی، امام بنیان‌گذار یک حرکت تحولی بر مبنای عقلانیت اسلامی بود. عقلانیت اسلامی یعنی یک نظام معرفتی که عنصر سعادت اخروی و دنیوی را توأمان در نظر دارد. جمهوری اسلامی آمده است تا توسعه و تحول را مبنای همین نوع عقلانیت محقق کند؛ عقلانیتی که ریشه در آیات وحیانی و روایات اهل بیت عصمت و طهارت دارد؛ عقلانیتی که انسان را حیوانی که تنها باید نیازهای غریزی‌اش برطرف شود نمی‌بیند، بلکه او را موجودی می‌بیند که افق حرکت او ابدیت است. در نظام معرفت دینی و اسلامی به این‌گونه عقلانیتی، اصطلاحا حکمت می‌گویند. این حکمت و عقلانیت اسلامی همان رکن اساسی و عنصر حیاتی‌ای است که باید مبنای جریانات تحول‌خواه در نظام اسلامی باشد.

معنویت عدالت‌گستر، پشتوانه جریان تحول‌خواهی

دکتر محمدرسول ایمانی‌خوشخو
عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

تأکید مقام معظم رهبری بر لزوم تحول‌خواهی به عنوان مهم‌ترین عامل حفظ و بقای انقلاب، می‌تواند از زوایای مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. هر پدیده‌ای که به قلمرو زیست اجتماعی انسان وارد شده و قصد دخالت در آن را دارد، برای بقا محتاج پویایی و تحول است. جوامع انسانی در گذر زمان دچار تغییر و تحول شده و پیوسته بر تنوع و پیچیدگی مناسبات اجتماعی افزوده می‌شود و به تبع آن، نیازها و مطالبات جدیدی مطرح می‌شود و در این میان نهادی می‌تواند باقی بماند که از این حرکت سریع عقب نمانده و بتواند خود را بر اقتضائات جدید منطبق سازد. شهید مطهری در مباحث مربوط به جامعیت دین اسلام بیان می‌کنند حتی اسلام که تأمین نیازهای ذاتی و فطری انسان را هدف اصلی خود قرار داده و از این جهت ممکن است امری ثابت انگاشته شود اما به تحولات اجتماعی نیز بی‌توجه نبوده و ظرفیت‌هایی برای پویایی در آن تعبیه شده تا بتواند گام به گام با جوامع در طول تاریخ پیش رفته و پاسخگوی نیازها در هر عصر و زمانی باشد. انقلاب اسلامی ما نیز به عنوان یک خیزش بزرگ اجتماعی که آرمان‌های بزرگ الهی و انسانی را دنبال می‌کرد برای بقا نیازمند پویایی و تحول است. پویایی و تحول ضرورتاً به معنای دست کشیدن از آرمان‌های اولیه نیست، بلکه توجه به واقعیت‌های جاری است؛ نیازهایی که گذر زمان بر جوامع تحمیل می‌کند و اقتضائات جدیدی را رقم می‌زند. اما در این سیر شتابنده، جایگاه آرمان معنویت‌خواهی کجاست؟

شکی نیست که گسترش معنویت و آماده کردن فضای اجتماعی برای رشد معنوی انسان‌ها از جمله اهداف این انقلاب و از جمله دغدغه‌های جدی معمار کبیر آن بوده است. با این حال، این هدف متعالی نیز برای بقا و ایفای نقش در این برهه از انقلاب نیازمند تحول و پویایی است که اگر این تحول رخ ندهد در گیر و دار تحولات عمیق اجتماعی یا به طور کلی حذف می‌شود و یا دچار استحاله می‌شود. وارد شدن در گردونه سیاست و آغشته شدن به مناسبات دور از اخلاق و معنویت حاکم بر بخشی از مناسبات اجتماعی، تصور جامعه را نسبت به آرمان معنویت‌خواهی دگرگون کرده و از فروغ این آرمان بزرگ کاسته است. فاصله گرفتن چهره‌های معنوی از گردونه سیاست و واگذار کردن این حوزه به اهلش! خود بر انفعال این آرمان دامن زده و به این ادعای قدیمی حیات تازه‌ای بخشیده که معنویت را باید در کنج مساجد و دل خانقاه جست‌وجو کرد و نه در کوران سیاست. در این میان برای تحول چه باید کرد؟ آیا باید با جریان سکولاریسم همنوا شد و همچون دین، معنویت را نیز از دخالت در دنیا منع کرد یا باید به دنبال ظرفیت‌هایی در معنویت گشت که می‌توانند با حفظ حقیقت ماهوی، آن را در سامان دادن به مناسبات اجتماعی و اصلاح وضعیت نابهنجار توانمند سازند. به نظر می‌رسد آرمان معنویت‌خواهی در سال‌های پس از انقلاب به سمتی پیش رفته که کم‌کم بیش از حقیقت معنویت، بر قالب‌ها و آیین‌های معنوی تأکید شد. معنویت نیز دارای گوهر و صدفی است، گوهر معنویت همان احساس قرب و درک ناب از حضور خداوند است و زمینه‌ساز این احساس و درک متعالی، تهذیب نفس و رشد فضایل اخلاقی در نهاد انسان است. امروز انقلاب اسلامی برای زنده نگه داشتن آرمان معنویت‌خواهی نیازمند ترویج اخلاق و بویژه اخلاق اجتماعی است. اگرچه در جامعه اسلامی دغدغه‌مندی به شریعت امری لازم است اما گاه توجه به این مسأله ما را از برخی مظاهر بی‌اخلاقی که در بخش‌هایی از اجتماع ریشه دوانده غافل کرده است. معنویت‌خواهی اگر کماکان می‌خواهد در صدر شعارهای انقلاب جایگاه خود را حفظ کند باید نشان دهد که در مقابل هیچ فسادی و در هیچ سازمان و نهادی بی‌تفاوت نیست. معنویت‌خواهی انقلابی باید اقدام جدی خود را در عدالت‌گستری و مبارزه با تبعیض در تمام اشکال آن به جامعه نشان دهد. تظاهر به معنویت در مسؤولان باید جای خود را به عزم جدی برای حل مسائلی بدهد که ویران‌کننده بنای هر معنویتی در وجود انسانند. مگر نه این است که ورود فقر از در باعث گریز ایمان و معنویت از در دیگر است؟ پس معنویت‌خواهی انقلابی نمی‌تواند چشم خود را بر فقر اجتماعی ببندد و تنها از قرب به خداوند سخن گوید. امروزه عصر هیجان غرایز و نبود بستر لازم در ارضای مشروع آنهاست و طبیعی است جوانانی که سرمایه اصلی این انقلاب محسوب می‌شوند به سمتی سوق یابند که فروغ نیازهای معنوی را در انسان به خاموشی می‌کشاند. در این شرایط نمی‌توان از آرمان معنویت سخن گفت ولی برای حل این معضل فکری نکرد و از این نیاز فراگیر اجتماعی چشم فرو بست و تنها به موعظه و نصیحت و سفارش به تقوا و پرهیزکاری بسنده کرد. کلام آخر اینکه، آرمان بزرگ معنویت‌خواهی برای بقا و دچار نشدن به استحاله نیازمند تحول و پویایی است و پویایی این آرمان بزرگ در گرو اصلاح تصور ما از حقیقت معنویت و عوامل و موانع آن در جامعه است. بدون‌شک معنویت متعالی اسلام ظرفیت‌های لازم برای پویایی را در اختیار دارد. اشارات فراوانی که در کلام وحی و پیشوایان معصوم درباره آسیب‌های معنویت و عوامل زمینه‌ساز آن وجود دارد و توصیه‌های ارزشمندی که در کلام امیرمؤمنان(ع) به والیان امر در جدی گرفتن مطالبات بحق اجتماعی یافت می‌شود، سرمایه‌های ارزشمندی هستند که توجه و عمل به آنها می‌تواند کماکان آرمان معنویت‌خواهی را زنده نگه داشته و پویایی و بقای انقلاب اسلامی را در دهه پنجم از حیات خود تضمین کند.

آرمان بزرگ معنویت‌خواهی برای دچار نشدن به استحاله نیازمند پویایی است و پویایی این آرمان بزرگ در گرو اصلاح تصور ما از حقیقت معنویت و عوامل و موانع آن در جامعه است. تظاهر به معنویت در مسؤولان باید جای خود را به عزم جدی برای حل مسائلی بدهد که ویران‌کننده بنای هر معنویتی در وجود انسان است